

Clergies and Spirituality; Epistemological Requirements in Promoting Spirituality with an Emphasis on Criticism of Joel Austin's Views

Mohammad hossin kiani*

Abstract

Spirituality and religious guidance are essential duties of clergies. In addition to elucidating Islamic thoughts, this duty also involves addressing religious and spiritual doubts and guiding the minds of young individuals towards sublime ideas. Among these, the thoughts of Joel Austin exemplify such doubts in the cultural sphere of Iran. The question raised in this article is what cognitive requirements exist in promoting spirituality with an emphasis on Joel Austin's ideas? In confronting Austin's approach, known as "Motivational and Positive Theology," a focus can be placed on the cognitive aspect and utilize an analytical-critical method. Therefore, the aim of the article is to analyze two modes of action by clergies. Firstly, in cognitive-reactive action, "confronting incomplete interpretations of religious-spiritual goals" and "opposing the reduction of major goals to minor issues" are more important, as Austin distorts religious teachings based on contemporary values. Secondly, in cognitive-imperative action, "conveying divine goals" and "conveying theoretical-divine foundations" are significant; because on one hand, the ultimate goal is human happiness and rectification of life matters through divine closeness, and on the other hand, neglecting theoretical-divine foundations leads to various challenges. In fact, for Austin, theology serves as an excuse to justify all-encompassing efforts for worldly success. However, this perspective not only ends in distorting divine goals but also disregards the foundations of divine theology.

Keywords

Modern spirituality, success, motivational preaching, reactive action, imperative action.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



*Assistant Professor of Ahl al-Bayt International University, Tehran, Iran. kiani61@yahoo.com

روحانیت و معنویت؛ الزامات معرفتی در تبلیغ معنویت با تأکید بر نقد آرای جول اوستین

محمدحسین کیانی*

چکیده

هدایت فکری دینی به منزله یکی از اهداف مهم روحانیت است. این وظیفه علاوه بر اینکه متضمن تبیین اندیشه‌های ناب اسلامی است، مستلزم مواجهه با شبهات دینی معنوی و هدایت ذهن جوانان به سوی اندیشه‌های متعالی است. در این میان، اندیشه‌های جول اوستین، مصداقی از چنین شبهاتی در فضای فرهنگی ایران است و پرسش مقاله نیز در این باره است که چه الزامات معرفتی در تبلیغ معنویت با تأکید بر اندیشه‌های جول اوستین وجود دارد؟ در مواجهه با رهیافت اوستین که با عنوان «الهیات انگیزشی و مثبت‌گرا» قابل بازخوانی است، می‌توان بر جنبه معرفتی تمرکز و از روش تحلیلی انتقادی استفاده کرد. بدین سان، هدف مقاله تحلیل دو نحوه کنشگری روحانیون است؛ نخست، در کنش معرفتی سلبی «مقابله با تلقی ناقص از اهداف دینی معنوی» و «مقابله با تقلیل اهداف کلان به مسائل جزئی» از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چراکه اوستین مبنی بر ارزش‌های دوران معاصر به تحریف آموزه‌های دینی اقدام می‌کند. دوم، در کنش معرفتی ایجابی «ابلاغ اهداف و حیانی دین» و «ابلاغ مبانی نظری الهی» حائز اهمیت است؛ چراکه از سویی، هدف غایی

* استادیار گروه فلسفه و کلام، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران.



همان سعادت انسان و اصلاح امور زندگی به واسطه قرب الهی است و از سوی دیگر، غفلت از مبانی نظری الهی موجب بروز مسائل متعددی می‌شود. در واقع، الهیات نزد اوستین، بهانه‌ای برای توجیه تلاش همه‌جانبه برای موفقیت‌های این جهانی است. حال آنکه این نگرش، علاوه بر اینکه به تحریف اهداف و حیانی ختم می‌شود، توأمان، مبانی الهیات و حیانی را نادیده می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

معنویت جدید، موفقیت، موعظه انگیزشی، کنش سلبی، کنش ایجابی.

مقدمه

معنویت جدید/ سکولار مشتمل بر مجموعه‌ای از نظریه‌ها و توصیه‌های متنوع، فارغ از تعهد به یک دین و ناظر به رشد شخصی و آرامش درونی است. به عبارت دیگر، هر چند معنویت جدید در بردارنده آموزه‌هایی منفک از دین و درباره رابطه شخص با خود، طبیعت و تعالی فردی است (See: Wilkinson, 2007)، لکن می‌توان به برخی از مصادیق اشاره کرد که به گونه کلی به اهمیت و اعتقاد به یک دین تأکید دارند. البته این ادعا هرگز به معنای پایبندی به مبانی و تمام باورهای دین مدنظر نیست، بلکه مجموعه‌ای نامنظم از گزینش‌ها و برداشت‌های شخصی از باورهای دینی را شامل می‌شود.

این دسته از معنویت‌گرایی که از آن با عنوان «معنویت شبه‌دینی»^۱ یاد می‌کنیم، نظیر دیگر نمونه‌ها به دنبال اهداف متنوعی هستند که از آن جمله می‌توان به کوشش برای بهبود وضعیت روحی و روانی، بهبود ارتباطات فردی و ایجاد احساس رضایت از خویش و کسب آرامش اشاره کرد. آنچه موجب تمایز معنویت شبه‌دینی از دیگر گونه‌های معنویت می‌شود در راستای چگونگی، فرایند و شیوه تحقق این اهداف



1. Pseudo-religious spirituality

است؛ بدین معنا که آن‌ها به آموزه‌های ادیان سنتی و ارجاع به آن باورها برای رسیدن به مقاصد یاد شده توجه دارند، اما رهیافت آن‌ها بر بنیاد برداشت‌های جدید از باورهای دینی و متأثر از مطالعات تطبیقی و میان‌فرهنگی است. در این میان، خصیصهٔ جوامع مدرن، نیازهای امروزی و ایدهٔ فرهنگ‌های متفاوت در مسئله‌یابی و ارائهٔ راهکاری جدید تأثیرگذار است. این برداشت‌های جدید که حول موضوعات متنوعی قوام می‌یابد، یکسره بر مبنای ایده یا توصیه‌های معنوی شکل می‌گیرد. در واقع، معنویت‌های شبه‌دینی هم در روش و هم در توصیه‌ها که با تکیه بر تعالیم دینی شکل گرفته، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی هستند. بدین سان، نظریه‌پردازان گوناگونی، مبنی بر این رهیافت، به ارائهٔ مدل‌های متنوعی از معنویت شبه‌دینی اقدام کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به جول اوستین^۱ اشاره کرد.

جول اوستین (به‌عنوان کشیش کلیسای لیک‌وود) در آثار و سخنرانی‌هایش همواره بر مهربانی و خیرخواهی خداوند استناد و بر تبیین و حفظ زندگی طاعتمندانه تأکید می‌کند. او می‌کوشد سبک زندگی مؤمنانه‌ای را مبنی بر آموزه‌های مسیحیت و به شیوه‌ای ساده، امروزی و با تأکید بر قدرت عشق و نگرش مثبت تبلیغ کند. کتاب‌های او نیز اغلب با این رویکرد تألیف شده‌اند.^۲ در واقع، او بر اساس این بینش

۱. جول اوستین (Joel Osteen)، نویسنده، سخنران و کشیش کلیسای لیک‌وود (Lakewood Church) است که به سال ۱۹۶۳ میلادی در شهر هیوستون (Houston) ایالت تگزاس آمریکا به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در همان شهر گذراند. بعد به دانشگاه اورال رابرتز (Oral Roberts University) رفت و در رشتهٔ ارتباطات رادیویی تلویزیونی به تحصیل ادامه داد؛ اما آن را نیمه‌تمام رها کرد. سپس، به سال ۱۹۸۲ میلادی به هیوستون بازگشت و از آن‌رو که پدرش کشیش سابق فرقهٔ مسیحی باپتیست (Baptist) و مؤسس کلیسای لیک‌وود بود، برنامهٔ تلویزیونی این کلیسا را تأسیس و خطابه‌های تلویزیونی پدرش را تا سال ۱۹۹۹ میلادی تهیه کرد. او که هم‌زمان با تهیهٔ برنامه و به تشویق پدر به تمرین موعظه می‌پرداخت، بلافاصله بعد از مرگ پدرش، اولین موعظهٔ خود را در همان کلیسا ارائه کرد و در سوم اکتبر ۱۹۹۹ میلادی به‌عنوان کشیش جدید کلیسای لیک‌وود شناخته شد. در نهایت، او به‌طور منظم به موعظه و سخنرانی ادامه داد.

۲. برخی از آثار اوستین جزء پرفروش‌ترین‌های نیویورک‌تایمز قرار گرفته‌اند؛ چنان‌که اکنون کلیسای او یکی از بزرگ‌ترین کلیساهای آمریکا به حساب می‌آید. امروزه سخنرانی‌های اوستین از طریق سرویس‌های خبری،^۳





که بسیاری از مردم به کلیسا نمی‌روند و در چنین وضعیتی، وظیفه ما رفتن به خارج از کلیسا است، می‌کوشد با جملات انگیزشی و مثبت، روح امید، حرکت، تلاش و پویایی را به مخاطبان خود انتقال دهد. همین رهیافت نزد برخی از روحانیون دیگر ادیان نظیر هندوئیسم، یهودیت، مسیحیت و... نیز مشاهده می‌شود.^۱

در این میان، نحوه مواجهه طیف روحانیت با مردم، به‌ویژه جوانانی که جذب چنین باورهای شبه‌دینی می‌شوند، حائز اهمیت است. بدین‌سان، مسئله مهم، بایسته‌های مشاوره به افرادی است که جذب چنین اندیشه‌هایی می‌شوند. به عبارت بهتر، پرسش مقاله این است که روحانیت شیعی چه الزامات معرفتی را می‌تواند در تبلیغ معنویت با توجه به آرای جول اوستین به کار گیرد؟ ضرورت این مسئله، هم به دلیل ترویج و گسترش اندیشه اوستین در فضای فرهنگی ایران است که چندان پیشینه پژوهشی انتقادی قابل توجهی نیز ندارد و هم به این دلیل است که با گونه‌های دیگری از معنویت‌گرایان معاصر در فضای فرهنگی ایران مواجهیم که متأثر از دیگر ادیان (اما به سبک و سیاق اوستین) به طرح اندیشه‌های خود می‌پردازند. از این رو، این مقاله به دنبال این هدف است که با طرح ایده اوستین، نقایص آن را بررسی کند و با استفاده از این نقایص به تقویت جنبه تبلیغی روحانیون در مواجهه با چنین اندیشه‌هایی در جامعه ایران بپردازد. بر همین اساس و در مقام ارائه پاسخ به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی انتقادی، نخست به بررسی عقیده اوستین پرداخته و آن را ذیل «الهیات انگیزشی و مثبت‌گرا» تحلیل می‌کنیم. سپس، کنشگری روحانیون در جذب جوانان متأثر از اندیشه‌های اوستین را طبق «کنش سلبی» و «کنش ایجابی» بررسی می‌کنیم.

→ به‌ویژه شبکه تلویزیونی، مخابره و خطابه‌های او در قالب کلیسای آنلاین در تلویزیون آمریکا و برخی دیگر از کشورها پخش می‌شود. بسیاری از کتاب‌های وی به زبان فارسی نیز ترجمه شده و در بازار نشر ایران با استقبال مواجه شده است؛ همان‌گونه که کلیپ‌های متنوعی از او با زیرنویس فارسی در شبکه‌های اجتماعی پربازدید هستند.

۱. برای نمونه، نگاه کنید به اندیشه‌های ساتیا سایدی با به‌عنوان یکی از مروجان هندوئیسم، اندیشه‌های تنزین گیاتسو به‌عنوان یکی از مروجان بودیسم، اندیشه‌های یهودا برگ به‌عنوان یکی از مروجان یهودیت و... (Sai Baba, 1984; Lama, 1998; Berg, 2009).

۱. الهیات انگیزشی و مثبت‌گرا

مفاد اندیشه‌های جول اوستین ترکیبی از مضامین انگیزشی در قالب سخنرانی‌های پرحرارت و نوشته‌های امیدبخش است که به زعم او، در نهایت به آموزه‌های کتاب مقدس مستند می‌شود. وی در بسیاری از سخنرانی‌ها مستقیم یا غیرمستقیم تأکید می‌کند در تلاش برای ترویج زندگی مملو از عشق و امید در پرتو ارتباط با انجیل و حضرت مسیح است. با آنکه سخنرانی‌های او در کلیسا و به‌منزله موعظه‌های دینی ایراد می‌شود، بیشتر به سخنرانی‌های انگیزشی و جلسات روان‌شناسی مثبت شباهت دارد. به هر حال، ترکیب موعظه دینی که درون‌مایه آن افکار موفقیت، سخنان انگیزشی، قانون جذب، قدرت درون و خودبهبودی است یا ترکیب موعظه‌های یک کشیش پروتستان در کلیسا که بیشتر همانند یک روان‌شناس مثبت‌گرا و انگیزشی سخن می‌گوید، موجب ایجاد شخصیت منحصر به فردی برای اوستین شده است. چه بسا این ترکیب عامل استقبال از کتاب‌های اوستین و رونق کلیسای لیک‌وود باشد.

مراد از الهیات انگیزشی در اندیشه اوستین بدین معناست که وی برای ارائه راهکارهای عملی و توصیه‌های کاربردی برای داشتن زندگی فعال و شادمانه تلاش می‌کند. در واقع، او برای تحقق این هدف همواره به ایجاد انگیزش در مخاطب اهتمام می‌ورزد و می‌کوشد مخاطب را به انجام عمل و اقدام برانگیزد.

همچنین اوستین در این راستا همواره به کتاب مقدس ارجاع می‌دهد؛ هرچند اندیشه و روش او چندان به موعظه‌های دینی شباهت ندارد. مراد از الهیات مثبت‌گرا در اندیشه وی بدین معناست که وی بیشتر درباره موضوعاتی نظیر زندگی آرام و بدون درگیری، اتفاقات زندگی همگام با رستگاری، پیگیری رویاهای شخصی، ارتقای تفکر مثبت، غلبه بر خستگی و ناامیدی، منحصر به فرد شدن، هرچه بخواهی رخ می‌دهد، ارزش خود را دانستن، داشتن زندگی لذت‌بخش، ارتقای کمی و کیفی ارتباطات خویش، ایجاد رابطه عاشقانه، راهکارهایی برای زندگی شادمانه، فهم لطف خداوند در سختی‌ها، گوش سپاری به ندای درون، راهکارهای وابسته‌نبودن به





دیگران، استفاده از قدرت کلام، آرزوهای بزرگ داشتن، دانستن ارزش درون، زندگی آرام و بدون اضطراب، رهایی از افکار محدود، تخلیه افکار و احساسات منفی و ارتقای فکری، سخن می‌گوید. بدین‌سان، درباره الهیات انگیزشی و مثبت‌گرای اوستین می‌توان به دو عامل مهم و اساسی اشاره کرد؛ در واقع، او براساس این دو عامل یعنی «خدا به‌منزله موفقیت» و «فرایند بهتر شدن» به طرح ایده بنیادین خود اقدام می‌کند.

۱. ۱. خدا به‌منزله موفقیت

خداوند در بسیاری از آثار و سخنرانی‌های اوستین، برخلاف بینش متداول الوهیت که در مسیحیت به تفصیل به آن پرداخته شده، همچون منبعی از فیض برای رسیدن به موفقیت این جهانی و کسب رضایت شخصی است. البته شکی نیست که خداوند به‌منزله منبع فیض، عامل موفقیت و رسیدن به رضایت شخصی است؛ اما به نظر می‌رسد اوستین، خداوند را به این جنبه محدود کرده و گویی الوهیت را نظر به تأکید بر جنبه‌های خوشایند و درخواست‌های مثبت‌گرایانه از او به‌منزله عاملی برای کسب رضایت خاطر، سلامت، آرامش، ثروت، موفقیت شغلی و کامیابی در روابط (به‌ویژه روابط زناشویی) به حساب می‌آورد. تأکید اوستین بر این قرائت نیز موجب شده بسیاری تعالیم او را ذیل «الهیات رفاه» تفسیر کنند؛ یعنی سامانه‌ای که دعا، تلقین و اعتراف به درگاه الهی را برای رسیدن به سلامت و ثروت ترویج می‌کند.^۱ او می‌گوید:

۱. از همین روست که او می‌گوید: «نوع عبادت شما نشان‌دهنده نوع زندگی‌تان است. اگر عبادت شما در حد ناچیز، معمولی و گذران زندگی باشد، زندگی‌تان هم در همین حد خواهد بود؛ اما هنگامی که با جسارت از خداوند درخواست‌های بزرگ می‌کنید، از او می‌خواهید که درهایی را که ممکن بود هرگز باز نشوند، به رویتان بگشاید. از او می‌خواهید که شما را از همه افراد خانواده‌تان موفق‌تر بگرداند. از او می‌خواهید که روابط به‌ظاهر تباه‌شده زندگی‌تان را از نو برقرار کند. [بنابراین]، زمانی که در حد عظمت خداوند عبادت می‌کنید، شاهد بزرگی خداوند خواهید بود...» (اوستین، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷).

زمانی که خداوند سرنوشت شما را برنامه‌ریزی می‌کرده است، افراد مناسب، اتفاقات مفید و فرصت‌های لازم را در آن گنجانده است و بله‌های زیادی را در سرنوشت شما پیش‌بینی کرده است؛ بله به ارتقای شغلی، بله به سلامت کامل، بله به ازدواج و بله به پذیرفته‌شدن در دانشگاه. شاید در زندگی هزاران بار پاسخ منفی شنیده باشید، اما کلام آخر را خداوند می‌زند و می‌فرماید: بله‌های من در مسیر زندگی‌ات قرار دارد. بله، به رؤیاهای خود دست خواهید یافت. بله، بر اعتیاد خود غلبه خواهید کرد. بله، فرزندان شما سرنوشت بی‌نقصی خواهند داشت. بله‌های فراوانی در زندگی شما قرار خواهد گرفت... همه ما در زندگی با شرایطی مواجه می‌شویم که موفقیت در آن ناممکن به نظر می‌آید. می‌توان به آسانی ناامید شد و با خود فکر کرد که کارها هیچ‌گاه با موفقیت پیش نخواهند رفت؛ اما خداوند پیشاپیش ما در حرکت است و مسیر حرکت را برای ما مهیا می‌کند. شاید هم‌اکنون برای رسیدن به رؤیاهای خود ارتباط مؤثری با افراد بانفوذ نداشته باشید؛ اما لازم نیست نگران باشید. خداوند پیش از شما اقدام کرده و افراد مناسب را برایتان آماده کرده است. او اتفاقات خوب و فرصت‌های مناسب را برای شما فراهم می‌کند (اوستین، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳).

وانگهی، می‌توان تعالیم اوستین را خوانش الهیاتی از قانون جذب به حساب آورد. اگر قانون جذب حول این محور دوگانه سامان می‌پذیرد که از یک سو، زندگی کنونی انسان بازتاب اندیشه‌های گذشته^۱ اوست^۱ و از سوی دیگر، زندگی آینده آدمی نیز بازتاب خواسته‌های امروزی او به حساب می‌آید^۲، لاجرم اوستین نیز

۱. چنان‌که راندا برن می‌گوید: «زندگی شما در حال حاضر بازتاب اندیشه‌های گذشته شماست. این هم شامل اندیشه‌های بزرگ و هم شامل اندیشه‌هایی می‌شود که زیاد برایتان مهم نبود. از آنجایی که هرچه را بیشتر به آن فکر کنید، بیشتر به خود جذب می‌نمایید، مهم است که بدانید در زمینه‌های مختلف زندگی چه اندیشه‌های در سر داشته‌اید؛ زیرا این همان چیزهایی است که تجربه نموده‌اید» (برن، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

۲. چنان‌که راندا برن می‌گوید: «آنچه هم‌اکنون به آن فکر می‌کنید، زندگی آتی شما را خلق می‌کند. شما با اندیشه‌های خود زندگی‌تان را خلق می‌کنید. از آنجایی که همیشه فکر می‌کنید، همیشه در حال آفرینش ←





چنین می‌گوید: «آنچه من امروز هستم به دلیل باوری است که دیروز درباره خودم داشتم. من در آینده چیزی خواهم بود که الان درباره خودم باور دارم. خدا ما را چیزی بیشتر از فاتحانی می‌بیند که قادریم سرنوشت خود را تحقق بخشیم. ما باید خودمان را از طریق چشم خالق ببینیم» (Osteen, 2004, p. 76). با این تفاوت که خداوند، مسیحی را به جای کیهان و قدرت کیهانی (که موضعی متداول در نظریه قانون جذب است) قرار داده و معتقد است این رویه باید با استمداد از خداوند قادر تحقق یابد. او می‌گوید:

اگر درگیر نوعی بیماری، افسردگی یا اعتیاد طولانی مدت باشید، به نظرتان می‌رسد که اوضاعتان هرگز تغییر نمی‌کند؛ اما وقتی از روی ایمان کامل حرف بزنید، چیزی در قلمروی نادیدنی‌ها اتفاق می‌افتد: کوه‌ها در هم می‌شکنند. نیروهای تاریکی شکست می‌خورند. دشمن به خود می‌لرزد. وقتی شما نه از حیطة اختیارات خودتان، بلکه از حیطة اختیارات خداوند حی و قیوم اعلام نظر می‌کنید، همه نیروهای بهشتی به شما توجه می‌کنند. سپاهی قدرتمند از جانب پروردگار عالی مرتبه پشت‌سرتان خواهد ایستاد. بگذارید به شما بگویم، هیچ قدرتی نمی‌تواند در برابر قدرت پروردگار ما بایستد؛ نه بیماری، نه اعتیاد، نه ترس و نه مشکلات قانونی. اگر بدون هیچ شک و تردیدی حرف بزنید، کوه‌ها کنار می‌روند. کوه‌ها یکشنبه از بین نمی‌روند. شاید ماه‌ها طول بکشد، پس نگران نباشید. در قلمروی نادیدنی‌ها، همه چیز به نفع شما تغییر می‌کند (اوستین، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱).

ایده اوستین این است که به‌رغم شرایط گوناگون و حتی موقعیت‌های بغرنج باید چشم‌انداز مثبت را حفظ کرد: «اگر ما در مواجهه با مشکلاتی که با آن‌ها روبه‌رو هستیم، ایمان خود را حفظ کنیم و نگرش خوبی داشته باشیم، نه تنها رشد خواهیم کرد، بلکه خواهیم دید که چگونه همه چیز به نفع ما کار می‌کند»

→ هستید. هرچه بیشتر به موضوعی فکر کنید، بیشتر در زندگی‌تان مصداق پیدا می‌کند. در واقع، این قانون آنچه را به آن فکر می‌کنید، به زندگی‌تان راه می‌دهد» (برن، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۴۲).

(Osteen, 2017, p. 74)؛ چراکه انسان به چیزی تبدیل می‌شود که به آن ایمان دارد. در واقع، اعتقادات آدمی به‌عنوان مانع یا وسیله‌ای برای غلبه بر ناملایمی‌ها و زندگی در سلامت، ثروت و پیروزی عمل می‌کنند. او می‌گوید:

ایمان دارم که همه‌چیز در قلمروی معنوی است. نفرین‌ها بی‌اثر و نعمت‌ها به‌سبب روانه شده‌اند. انتظار اتفاقات خوب را داشته باشید. یاد بگیرید این کلمات متبرک را به‌طور مداوم درباره‌ی خود، فرزندان، اوضاع اقتصادی، سلامت و آینده‌تان به کار ببندید. اگر از کلماتتان برای اعلام پیروزی و نه برای شکست استفاده کنید، خواهید دید که خداوند چه کارهای شکفت‌انگیزی برایتان انجام می‌دهد. من باور دارم که از زندگی سرشار از فراوانی و ایمانی برخوردار خواهید شد که پروردگار برایتان از قبل آماده کرده است (اوستین، ۱۳۹۲، ص ۲۰۸).

این بینش به‌منزله‌ی بنیاد تعالیم جول اوستین قلمداد می‌شود؛ چنان‌که معتقد است این انگاره‌ی مبنایی موجب آثار بسیاری در فرد خواهد شد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تمایل به شادی و شادکامی است. او که به کشیش خنده‌رو نیز شهرت دارد، شادکامی را از اصول کلیسای خود دانسته و با ترکیب تجربیات خود با دیدگاه‌ها و اصول خوشبختی در کتاب مقدس، توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان از هر وعده و فرصت برای تحقق شادی واقعی استفاده کرد؛ برای نمونه، او در بخش ششم از کتاب هر روز جمعه است، به تفصیل درباره‌ی بیشتر خندیدن، قدرت شفابخشی خنده، خنده‌درمانی، همانند بچه‌ها خندیدن، تأثیر خنده بر جوان ماندن، اهمیت جوک شنیدن، خنده به‌مثابه‌ی شفادهنده‌ی مادرزادی، تأثیرات درونی شادی، تأثیر آن بر پیوندها و نوع نگاه خداوند به افراد خنده‌رو، به خود خندیدن و عشق‌ورزیدن و... سخن می‌گوید (اوستین، ۱۳۹۳، ص ۲۸۳-۳۱۴).

۱.۲. فرایند بهترشدن

باید به چه ایمان داشت؟ چگونه می‌توان چشم‌انداز مثبت را حفظ کرد؟ این‌گونه پرسش‌ها برای هدایت انسان به سوی بهترشدن است. بنابراین، مهم‌ترین پرسش در





اندیشه اوستین این است که چگونه می‌توان به «انسان بهتری» تبدیل شد. او در بسیاری از آثار و در اغلب سخنرانی‌هایش به مجموعه‌ای از اقدامات، دستورالعمل‌ها و راهکارهای متنوع اشاره می‌کند. این مجموعه، فارغ از اینکه نظر به اهداف جزئی و پراکنده ارائه شده‌اند، جملگی رویکرد وی را برای تبدیل شدن به انسانی بهتر رقم می‌زنند.

برای بهتر شدن، مقدمات و بایسته‌های متعددی وجود دارد که شاید دو نکته در اندیشه اوستین از اهمیت بیشتری برخوردار باشد؛ نخست اینکه بهتر شدن، فرایندی پویا و نامتناهی است.

حتی اگر در بهترین شرایط زندگی خود به سر می‌برید، مهم است که گرفتار سکون نشوید. خداوند همیشه می‌خواهد ما در شرایط بهتری قرار بگیریم. می‌خواهد از طریق ما کارهای بهتری صورت بگیرد. او می‌خواهد در اعماق وجود خود به خودشناسی پردازیم. می‌خواهد به سطوح بالاتری از زندگی برسیم. او ما را نیافریده تا متوسط و معمولی باشیم. نمی‌خواهد بگوییم: «به همین اندازه کفایت می‌کنم». او می‌خواهد ما به سطوح بعدی زندگی برسیم (اوستین، ۱۳۹۱، ص ۲).

چنان‌که اوستین در کتاب تفکر سطح بعدی نیز به این نکته اشاره کرده و متذکر می‌شود «هدف از خلقت ما این است که همواره به بالاترین سطح ارتقا یابیم و هیچ‌گاه متوقف نشویم» (Osteen, 2008, p. 57). دوم آنکه در فرایند بهتر شدن باید از هرگونه مقایسه خود با دیگری برحذر بود. چنانچه او تأکید می‌کند که «تا حد ممکن بهتر بودن به این معنا نیست که در مقایسه با دیگری بهتر باشیم. بلکه باید بر خود تمرکز کرده و در مسابقه با خود بهتر بدویم» (اوستین، ۱۳۹۳، ص ۱۹۱).

اما انسان بهتر شده کیست؟ اوستین می‌گوید اول اینکه بدانند خداوند می‌خواهد به کسی که او دوست دارد، تبدیل شود. خداوند نقش خود را ایفا می‌کند، اما لازم است شما هم نقش خود را بازی کنید. برای اینکه به انسان بهتری تبدیل شوید، باید

همچنان به جلو بروید. با خود رفتاری مثبت داشته باشید، روابط بهتری ایجاد کنید، عادات بهتری شکل دهید، قدر مکانی را که در آن به سر می‌برید بدانید، زندگی درونی خود را رشد و توسعه بدهید، مشتاق زندگی باقی بمانید (اوستین، ۱۳۹۱، ص ۳). البته این موارد بخش‌های مجزا و پردامنه‌ای است؛ از این رو، قبل از هر چیز باید به گونه‌ی جدی‌تر درباره‌ی هر کدام از این موارد هفت‌گانه به فکر و مذاقه پرداخت تا معانی، حدود و نسبت آدمی با چنین تکالیفی روشن شود.

بدین‌سان، اوستین براساس این دو عامل یعنی «خدا به منزله موفقیت» و «فرایند بهتر شدن» به طرح ایده بنیادین خود با عنوان «الهیات انگیزشی و مثبت‌گرا» اقدام می‌کند؛ خدا به منزله موفقیت بدین معناست که خداوند را تنها به منبعی برای موفقیت‌های این جهانی محدود می‌کند؛ گویی الوهیت را نظر به تأکید بر جنبه‌های خوشایند و درخواست‌های مثبت‌گرایانه از او، به منزله عاملی برای کسب رضایت خاطر، سلامت، آرامش، ثروت، موفقیت شغلی و کامیابی در روابط به‌ویژه روابط زناشویی به حساب می‌آورد. همچنین، فرایند بهتر شدن بدین معناست که برای بهتر شدن، مقدمات و بایسته‌های متعددی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به «استمرار در مسیر بی‌پایان بهتر شدن» و «پرهیز از مقایسه خود با دیگران» اشاره کرد. در واقع، انسان بهتر همان شخصی است که با خود رفتار مثبت داشته، روابط اجتماعی خود را بهبود بخشیده، بر زندگی درونی خویش تمرکز کرده است و به زندگی این جهانی باقی مشتاق می‌ماند.

۲. کنشگری روحانیون در مواجهه معرفتی با اندیشه اوستین

به گونه‌های متفاوت می‌توان وظیفه روحانیت را در مواجهه با معنویت‌های جدید تبیین کرد؛ چنان‌که به شکل جامع این مهم در اندیشه مقام معظم رهبری تعریف شده است. ایشان در «نگرش کلی» سه وظیفه عمده روحانیت را هدایت فکری و دینی، هدایت سیاسی و بصیرت‌افزایی و راهنمایی و حضور در عرصه خدمات اجتماعی



برشمرده و تأکید می‌کنند که طلاب باید با کسب صلاحیت و آگاهی لازم در دنیای متفاوت امروز، خود را برای ایفای مسئولیت‌های تعیین‌کننده در جامعه آماده کنند. سپس، وظیفه «هدایت فکری و دینی» را به منزله «تبیین اندیشه‌های ناب اسلامی» معنا کرده و با اشاره به تأثیر فضای مجازی بر افزایش شبهات دینی و وجود انگیزه‌های سیاسی برای تزریق افکار منحرف و غلط به ذهن جوانان چنین تأکید کردند: «این میدان، میدان واقعی جنگ است و روحانیون و طلاب باید مسلح و آماده، وارد عرصه مقابله با شبهات و تفکرات غلط و انحرافی شوند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۲/۲۵).

ایشان در «نگرش جزئی» به اهمیت مقابله با عرفان‌های کاذب تأکید کردند: «دشمنان همواره مقدسات دینی، حقایق دینی، بینات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار می‌دهند. هدف آن‌ها در داخل کشور این است که از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم به‌خصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه بی‌بندوباری و اباحی‌گری تا ترویج عرفان‌های کاذب (جنس بدلی عرفان حقیقی) تا ترویج بهائیت تا ترویج شبکه کلیساهای خانگی. این‌ها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام انجام می‌گیرد. هدف هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۷/۲۷).

بر همین اساس، مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب و در مقام تبیین «معنویت و اخلاق» به مسائل توجه ویژه داشته‌اند (برای تفصیل نک: کیانی، ۱۴۴۲ق، ص ۱۷۵-۱۹۲):

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق‌چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید؛ پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند. اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را



برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند، با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود (مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم).

بدین سان، گسترش «معنویت جدید» یکی از مسائل مهم جامعه ایران در تحقق معنویت و اخلاق اسلامی است و مقابله معرفتی با آن، به دلیل اختلاف فاحش مبانی معنویت جدید با معنویت اسلامی (برای تفصیل نک: کیانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹-۱۵۷)، ضروری است و شکی نیست که از جمله وظایف حوزه و روحانیت نیز مواجهه با این مسئله خواهد بود؛ چراکه حوزه علمیه بیش از هر نهاد دیگر و روحانیت بیش از هر قشر دیگری، صلاحیت معرفتی معنوی برای کنشگری در این باره را دارند.

۲. ۱. مواجهه معرفتی سلبی

مواجهه معرفتی سلبی روحانیون در برابر اندیشه‌های اوستین متنوع است؛ چراکه می‌توان به تفصیل درباره برخی از باورها و پیامدهای اندیشه اوستین نظیر تضعیف جنبه الوهی و نفی ربوبیت تشریحی، تحریف برخی از باورهای صحیح دینی، اهمال درباره برخی از ارزش‌های دینی، عملکرد و حواشی او به منزله یک مبلغ مسیحی، تأکید بر انسان‌گرایی و تمرکز بر برداشت‌های شخصی به منزله منبع و معیار حقیقت



سخن گفت. اما به نظر می‌رسد توجه و تمرکز به چند مسئله، از اهمیت بیشتری برخوردار است. اهمیت این مسائل نیز بیشتر ناظر به کنشگری ویژه روحانیون در مواجهه سلبی (به معنای بیان نقایص و ایرادهای اندیشه اوستین) است:

۲. ۱. ۱. روشنگری درباره تلقی ناقص از اهداف دینی معنوی

اوستین بر مقبولیت ادیان الهی تأکید می‌کند یا حداقل بر حقانیت و مشروعیت مسیحیت اصرار دارد. این نکته مهمی است که او در قامت یک کشیش و در کلیسای لیک‌وود، به تبلیغ آموزه‌های خود می‌پردازد. همچنین، او فارغ از جنبه ظاهری در برخی از آثارش بر اهتمام ویژه به متن و آموزه‌های مسیحیت تأکید دارد؛ برای نمونه، در کتاب *امید برای انجیل امروز* می‌کوشد نحوه اعمال آموزه‌های مسیحی را در زندگی روزمره آموزش دهد (See: Osteen, 2009). اما ارزش‌ها و خصیصه‌های زندگی امروزی تأثیر مهمی بر بازخوانی باورهای مسیحیت می‌گذارد. بدین‌سان، فارغ از اینکه اوستین در این بازخوانی بر تفسیر به‌رأی تکیه می‌کند، هم‌زمان، نظر به اصالت ارزش‌های زمانه نیز از اهداف کلان دینی غفلت کرده و تنها بر جنبه‌هایی خاص توجه می‌کند؛ چراکه مراد اوستین از دین و حتی خدا، عاملی برای کسب موفقیت‌های این جهانی است یا حداقل از نظر او، دین و خدا در عاملی برای این گونه کامیابی‌های این جهانی محدود می‌شود.

حال آنکه دین مشتمل بر مجموعه‌ای از مبانی، آموزه‌های نظری و ضوابط گوناگون برای بهبود امور فردی و اجتماعی است. این مجموعه را نیز می‌توان داوری کرد و در پرتو این داوری، دین راستین یا دین نادرست آشکار می‌شود. در مقام ارزیابی حقانیت ادیان نیز سنجه‌های متفاوتی وجود دارد که از آن جمله، تطابق آموزه‌ها و قوانین دینی با نیازهای فردی و اجتماعی است؛ اینکه آن باورها و مقررات تا چه اندازه در بهبود وضعیت فردی و ارتقا شرایط اجتماعی انسان تأثیرگذار است. همچنین، این ملاک بایسته نشان می‌دهد رسیدن به چنین آموزه‌هایی



چنان گسترده و دشوار است که ضرورت طرح‌ریزی آن‌ها توسط منبع ربانی و یزدانی اجتناب‌ناپذیر است. به هر حال، رسیدن به هدف یادشده مستلزم درک فراتاریخی از ویژگی‌های انسان، خصوصیات جهان، شرایط متغیر جامعه و بحران‌های گوناگون اجتماعی است:

تنها آن که انسان و جهان را آفریده است، به انسان، جهان و پیوند این دو آگاهی تمام داشته و در نتیجه، از توان هدایت و راهبری انسان برخوردار است. چنان که همان مبدأ وحید، تنها مصدر صالح برای هدایت مجموعه جهان و راهنمایی تمام اجزای آن خواهد بود؛ به گونه‌ای که از هدف خود محروم نشده و مزاحم رهیابی دیگران به هدف نگردد و آن کس جز ذات اقدس الهی نیست. با این مقدمه دانسته می‌شود که دین حق، دینی است که عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات آن از طرف خداوند نازل شده و دین باطل، دینی است که از ناحیه غیر خداوند تنظیم و مقرر شده باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲).

دین آسمانی مشتمل بر دو بخش اعتقادی و عملی است. بخش اعتقادی شامل باورهای پایه است که مبنای زندگی واقع شده و مباحث توحید، نبوت و معاد را در بر می‌گیرد. بخش عملی نیز حاوی قوانین عملی اخلاقی و دربردارنده وظایف انسان در برابر خدا، جامعه و دیگر افراد است. از سوی دیگر، وظایف فرعی که در شرایع آسمانی تنظیم شده، بر دو گونه است: برخی مشتمل بر اخلاق و اعمالی است که به پیشگاه خدا ارتباط دارد؛ مانند خُلق، صفات ایمان، تسلیم، رضا، خشوع و اعمال نماز و روزه و قربانی که «عبادات» نامیده می‌شوند و خضوع و بندگی انسان را به پیشگاه خدا مسجل می‌سازند.

بخش دیگر نیز اخلاق و اعمال شایسته‌ای است که به جامعه ارتباط دارد؛ مانند اخلاق و صفات بشردوستی، خیرخواهی، عدالت، سخاوت و وظایف معاشرت و دادوستد که «معاملات» نامیده می‌شوند (برای تفصیل نک: طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۸۲-۸۶).



۲.۱.۲. روشنگری دربارهٔ تقلیل اهداف کلان به مسائل جزئی

اوستین، مسائل متنوعی را از خوشبختی و شادی گرفته تا همدلی و شفقت و... مورد توجه قرار می‌دهد؛ اما در عمل، اهداف کلان دینی را به مسائل جزئی تقلیل می‌دهد. این مسائل جزئی نیز بر گرفته از دغدغه‌های معاصر و ارزش‌های انسان معاصر است. البته براساس آموزه‌های دینی، پرداختن به رفع دغدغه انسان معاصر رویکردی کاربردی و موجه است؛ اما فروکاهش کلیت باورهای دینی به مسائل جزئی موجه نیست و ناشی از تلقی نادرست از اهداف دین به حساب می‌آید. در واقع، این درک ناصحیح رهیافتی است که در اغلب معنویت‌های شبه‌دینی و به‌ویژه اندیشه اوستین رخ داده است.

اوستین اغلب رابطه انسان و خدا را در مسیر تحقق موفقیت به مسائل این جهانی گره زده و از اهداف کلان دینی غفلت می‌کند؛ برای نمونه، او می‌گوید: «زمانی که خداوند سرنوشت شما را برنامه‌ریزی می‌کرده، افراد مناسب، اتفاقات مفید و فرصت‌های لازم را در آن گنجانده و بله‌های زیادی را در سرنوشت شما پیش‌بینی کرده است. بله به ارتقای شغلی، بله به سلامت کامل، بله به ازدواج و بله به پذیرفته‌شدن در دانشگاه» (اوستین، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳). هرچند با در نظر گرفتن ملاحظاتی می‌توان این ادعا را تأیید کرد، اما اوستین هرگز به آن ملاحظات و مبانی توجه ندارد و آموزه‌های دینی مسیحی را تنها مستمسکی برای تثبیت آموزه‌های انگیزشی و مثبت‌گرا قرار می‌دهد.

در واقع، رهیافت اوستین موجه‌سازی آموزه‌های عصر جدید به گونه الهیاتی است یا به عبارت دیگر، ارائه باورهای عصر جدید با ادبیات دینی مسیحی. بدین سان، او به گونه‌ای آشکار اهداف کلان دینی را برای موجه‌سازی مسائلی فرعی که البته جزء ارزش‌های زمانه است، تقلیل می‌دهد و تضعیف می‌کند. این رهیافت نیز در بسیاری از آثار او هویدا است؛ برای نمونه، در کتاب تفکر بهتر، زندگی بهتر می‌کوشد با ارائه توصیه‌هایی خواننده را قانع کند که چگونه برنامه‌ریزی مجدد افکار برای حذف



منفی‌نگری، به یک زندگی شادتر و کامل‌تر منجر خواهد شد. به باور اوستین، ذهن آدمی توانایی خارق‌العاده‌ای برای خلق موفقیت یا شکست دارد؛ از این رو، راهبرد هر انسان در زندگی این است که تمامی افکار خویش را برای پیروزی و دوری از شکست مدیریت کرده و ذهن خود را برای رسیدن به تفکری بهتر و زندگی ایدئال مدیریت کند. همچنین، او تأکید می‌کند رهایی از هرگونه منفی‌نگری به منزله هماهنگی با برنامه‌ای است که خداوند برای زندگی آدمی فراهم دیده است (See: Osteen, 2016).

در واقع، روح حاکم بر این اثر نیز بسیار هم‌خوان با «قانون جذب» به منزله یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های تفکر نوین است. اوستین می‌کوشد این اندیشه را مبنی بر عبارات انجیل مستند و مستدل کند. در کتاب *بهترین روز زندگی تان هر روز صبح آغاز می‌شود*، طی ۳۶۵ پیام روزانه که مستند بر عبارات انجیل است (See: Osteen, 2008)، توصیه‌هایی برای رسیدن به زندگی موفق ارائه می‌دهد. تلقی وی از موفقیت نیز بر ارزش‌های این جهانی و حتی سرمایه‌داری منطبق است؛ چنان که سبک و سیاق این توصیه‌ها نیز با نگرش‌های عصر جدید و شیوه روان‌شناسی مثبت‌گرا هم‌خوان است.

بدین‌سان، مواجهه سلبی روحانیون با اندیشه اوستین به معنای بیان نقایص و ایرادات است؛ چراکه وی تلقی ناقصی از اهداف دینی معنوی ارائه می‌دهد. این تلقی که همچون نادیده‌انگاری اهداف کلان دینی است و به سوی تحریف باورهای دینی نیز سوق می‌یابد، بر مبنای اصیل‌پنداشتن زندگی این جهانی است. در واقع، اوستین کلیت الهیات (ناظر به الهیات مسیحی) را به منزله منبعی برای موفقیت‌های تعریف‌شده در عصر جدید به خدمت گرفته و هدف آموزه‌های خود را تحقق آن اهداف به حساب می‌آورد. از سوی دیگر، اهداف کلان دینی در اندیشه اوستین نظر به اهمیت ارزش‌های این جهانی تحریف می‌شود یا دست‌کم وی برداشت درستی از آن اهداف دینی به دست نمی‌دهد؛ چراکه برای نمونه، رابطه انسان با خدا را در مسیر تحقق موفقیت‌های زندگی خلاصه می‌کند.





۲.۲. مواجهه معرفتی ایجابی

کنشگری ویژه روحانیون در مواجهه معرفتی ایجابی بدین معناست که بعد از بیان نقایص و ایرادات اندیشه اوستین می‌توان به برداشت‌های درست و صحیحی از آنچه اوستین ناقص یا به نادرستی ارائه کرده، اشاره کرد. به عبارت دیگر، می‌توان بر جنبه معرفتی و تبیین «حقایقی» پرداخت که براساس بینش‌های اوستین قابل طرح و بررسی است. در این میان، توجه و تمرکز به چند مسئله، از اهمیت بیشتری برخوردار است: «ابلاغ اهداف و حیانی دین» و «ابلاغ مبانی نظری الهی». توجه به این نکته ضروری است که مباحث پیش رو، کلی و فراگیر است و چه بسا ناظر به اندیشه دیگر معنویت‌گرایان جدید نیز قابل طرح باشد. به هر حال، شکی نیست که روحانیت در مواجهه با چنین اندیشه‌هایی با مجموعه‌ای از آموزه‌های مشترک در معنویت‌های جدید روبه‌رو می‌شود. این آموزه‌های مشترک نیز به منزله مبانی مورد اتفاق و قابل مناقشه‌ای است که تمرکز بر آن‌ها لازم و ضروری است. اکنون با بررسی اندیشه اوستین پیداست که وی درباره مسائل زیر برداشت نادرستی داشته و در مقام ارائه تلقی درست، تمرکز بر این موارد ضروری قلمداد می‌شود:

۲.۲.۱. ابلاغ اهداف و حیانی دین

چنان‌که گذشت، اهداف فرعی این جهانی در معنویت جول اوستین و به طور کلی در معنویت‌های شبه‌دینی، به منزله اهداف کلان دینی است و باورهای دینی نیز منطبق بر آن‌ها تحریف می‌شوند. اهداف فرعی نظیر کسب ثروت، شغل خوب، سلامت جسمی و ذهنی، ازدواج ایدئال و قبولی در دانشگاه (برای تفصیل نک: اوستین، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳).

کوشش معتدل و اخلاقی برای تحقق این اهداف به تأیید ادیان و حیانی نیز رسیده است، اما تلقی این اهداف جزئی به عنوان اهداف کلی با ادبیات دینی نارواست؛ برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أربعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أربَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ؛ فَالأربَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الوَاسِعُ وَ الْجَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَ الأربَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ: الْجَارُ السُّوِّءُ وَ الْمَرْأَةُ السُّوِّءُ وَ الْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَ الْمَرْكَبُ السُّوِّءُ؛ چهار چیز از خوشبختی و چهار چیز از بدبختی است: چهار چیز که از خوشبختی است، همسر خوب، خانه بزرگ، همسایه خوب و سواری نیکوست و چهار چیز که از بدبختی است، همسایه بد، همسر بد، خانه کوچک و سواری بد است» (طبرسی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶).

هرچند استفاده از نعمت‌ها و لذت‌های دنیوی در حد اعتدال توصیه شده است، حداقل دو ملاحظه جدی وجود دارد: نخست اینکه هدف آدمی یکسره تمرکز بر تحقق این اهداف جزئی نیست؛ دوم، به تصریح پیامبر اسلام ﷺ این تنعم باید با معرفت به یک واقعیت همراه باشد؛ «الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ مَنْزِلُ بَلْغَةٍ وَ عَنَاءٍ قَدْ نَزَعَتْ عَنْهَا نُفُوسَ السُّعْدَاءِ وَ انْتَزَعَتْ بِالْكَرْهِ مِنْ أَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ فَاسْعُدُ النَّاسَ بِهَا أَرْغَبُهُمْ عَنْهَا وَ أَشْقَاهُمْ بِهَا أَرْغَبُهُمْ فِيهَا؛ دنیا سرای بلا و گرفتاری و محل گذران زندگی و زحمت است. خوشبختان از آن دل کنده‌اند و از دست بدبختان به‌زور گرفته می‌شود. پس خوشبخت‌ترین مردم، بی‌میل‌ترین آنان به دنیا و بدبخت‌ترین مردم، راغب‌ترین آنان به دنیا است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ص ۱۸۵).

بدین‌سان، اصالت بر اهداف جزئی، با بینش دین و حیانی منطبق نیست و تمرکز بر آن‌ها نیز نباید به غفلت از اهداف کلان دینی منجر شود؛ چراکه با مراجعه به منابع پایه ادیان و حیانی درمی‌یابیم که در وهله نخست، اهداف برجسته و مهم‌تری را مدنظر قرار داده‌اند؛ چراکه دین و حیانی همان رهیافتی است که طی آن، قوای مختلف آدمی را هنگام طغیان به حال اعتدال بازگردانده و رشته زندگی دنیوی و اخروی، مادی و معنوی انسان را به نظم درمی‌آورد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۳: ص ۱۵۹).

بدین‌سان، توقع این است که دین موجب تعدیل اجتماع انسان باشد و به تبع، تعدیل حیات یک فرد انسانی را نیز شامل شود. دین قادر است اجتماع انسانی را به





راه فطرت و آفرینش وارد کند و به آن موهبت آزادی و سعادت فطری ببخشد. همچنین به فرد این اختیار را می‌دهد تا از سطوح زندگی بر مدار عقل و اراده بهره‌مند شود؛ به گونه‌ای که ضروری به حیات اجتماعی و اخروی نرساند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۶: ص ۹۷).

هدف ادیان و حیانی، تحقق سعادت در پرتو عبودیت است و سعادت انسان در گرو شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی و پاسخ مناسب به نیازهای روحی و جسمی است. به فرموده قرآن: ﴿وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾؛ سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد که هرکس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد و هر که آلوده‌اش ساخت قطعاً در باخت» (شمس، ۷-۱۰). علامه طباطبایی سعادت هر چیزی را در رسیدن به خیر وجودش خلاصه می‌کند؛ بدین سان سعادت انسان که موجودی است مرکب از روح و بدن، عبارت است از رسیدن به انواع خیرهای جسمانی و روحانی و متنعم شدن به آن (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ص ۲۸).

سعادت در اندیشه اسلامی وابسته به تقرب الهی است؛ سعادت انسان به معنای رسیدن به کمال واقعی است و بالاترین سعادت، رسیدن به قرب خداوند است. از آن رو که سعادت انسان به واسطه رسیدن به کمال واقعی حاصل می‌شود و رسیدن به کمال واقعی، اعلی درجه لذت و سرور است، تقرب به خداوند به همراه لذت و سرور حقیقی است. این حقیقت را می‌توان از برخی از آیات قرآن استفاده کرد؛ آیاتی نظیر: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾؛ بگو من هم مثل شما بشری هستم، ولی به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است.

پس هرکس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد» (کهف، ۱۱۰).

۲.۲.۲. ابلاغ مبانی نظری الهی

غفلت از مبانی نظری الهی موجب بروز مسائل متعددی می‌شود؛ برای نمونه، اگر همانند جول اوستین، الهیات را یکسره بهانه‌ای برای توجیه تلاش همه‌جانبه برای وصول به اهداف جزئی نظیر موفقیت‌های این جهانی بدانیم، علاوه بر اینکه به تحریف هدف و حیانی اقدام کرده‌ایم، مبانی نظری الهیات را نیز مخدوش ساخته‌ایم. به عبارت دیگر، اگر هدف دین، کسب کامیابی این جهانی است، هرگز نمی‌توان این ادعا را در کنار دیگر دستورات دینی توجیه کرد و بر مبنای اصول الهی نیز ناسازگاری آن آشکار می‌شود؛ ضمن آنکه فارغ از موفقیت‌های دنیوی، می‌توان تقریر دیگری از موفقیت، با تکیه بر کسب لذت‌های اخروی، به دست داد.

علامه طباطبایی در تبیین ضرورت دین چنین استدلال می‌کند: نخست، انسان موجودی استخدام‌کننده است؛ دوم، استخدام‌گری بشر در طبیعت وی نهفته است؛ سوم، استخدام‌گری بشر موجب اختلاف در تمام شئون حیات می‌شود؛ چهارم، نظام تکوین اقتضا می‌کند که این اختلاف‌ها رفع شود تا انسان به کمال لایق خود برسد؛ پنجم، رفع این اختلافات جز به وسیله قانون امکان‌پذیر نیست، قانونی که زندگانی اجتماعی انسان را اصلاح کرده و سعادت وی را تأمین کند؛ ششم، طبیعت انسان از عهده این کار بر نمی‌آید، چرا که خودش عامل اختلاف است؛ هفتم، اختلافات به وسیله قوانینی که با اندیشه بشری وضع شود از میان نمی‌رود.

بدین‌سان، از مقدمات فوق این نتیجه ضروری حاصل می‌شود که پروردگار از راهی غیرطبیعی به انسان راه را نشان دهد و این همان راه وحی و تحقق دین حقیقی است. طبق تقریری دیگر، نخست، انسان یکی از اجزای جهان آفرینش است؛ دوم، دستگاه آفرینش برای انسان نظام مخصوصی تهیه کرده است که زمینه‌ساز کمال وی به حساب می‌آید؛ سوم، مقتضای تجهیز آدمی زندگی اجتماعی است؛ چهارم، حیات انسانی حیاتی جاودانه است که با مرگ قطع نمی‌شود؛ پنجم، انسان باید از راه‌وروشی در زندگی دنیوی پیروی کند که هم سعادت این سرای گذران و هم



سعادت آن سرای جاودان را تأمین کند. از همین رو، مسیری که این هدف را دنبال می‌کند، دین نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

تنها دین آسمانی است که علاوه بر ارائه راهکارهایی برای شادی، همدلی و موفقیت، رسیدن به غایت اهداف را در این جهان ناممکن و عمل به فرمان‌های الهی را متضمن وصول به آن‌ها در دنیای دیگر می‌داند. تاریخ نیز گواهی داده که رسیدن به کمال این اهداف به دلایل گوناگون در این جهان میسر نیست. بخشی از دلایل به روی گردانی انسان‌ها از فرمان‌های الهی بازمی‌گردد؛ البته دین‌داران واقعی با عمل به دستورات الهی همواره به زندگی سعادت‌مندانه در دو جهان امید خواهند داشت:

چیزی در هویت حقیقی انسان نقش آفرین است که همواره با او باشد و مرگ و برزخ و نیز بهشت و دوزخ آن را از انسان جدا نسازد. قرآن کریم در این باره از سه عنصر اساسی به نام اعتقاد و اخلاق و اعمال یاد می‌کند و آن‌ها را از ارکان سازنده هویت انسان می‌شمارد. مجموع این عناصر سه‌گانه، چهره ارتباط آدمی با خدا را ترسیم می‌نماید و در فرهنگ قرآن از آن ربط خاص وجودی به عنوان «تأله» تعبیر می‌شود. از این رو، کامل‌ترین بیان قرآنی درباره وجود آدمی عبارت از «حیّ متألّه» یا زنده خدامدار است. اگر آن عنصرهای سه‌گانه (اعتقاد، اخلاق و اعمال) براساس آموزه‌های پیامبران الهی شکل گیرد، از مجموع آن‌ها با نام «دین» تعبیر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۰).



نتیجه‌گیری

از آن‌رو که بیشتر آثار اوستین به زبان فارسی ترجمه شده و در بازار نشر و فضای مجازی پربازدید است و از سوی دیگر، به مستند شدن اندیشه‌هایش مبنی بر مسیحیت تأکید دارد، کنشگری روحانیون، هم با مفاد آموزه‌ها و هم با شیوه و روش او، مهم است. بدین‌سان، به نظر می‌رسد این کنشگری، فارغ از جنبه‌های عملی و یکسره ناظر به جنبه معرفتی، بر دو حوزه متمرکز است: نخست، مواجهه سلبی به معنای تبیین اشکالاتی که با توجه به آموزه‌های اوستین قابل طرح است و دوم، مواجهه ایجابی به معنای تبیین حقایقی که با توجه به آموزه‌های اوستین قابل بررسی است.

وظیفه معرفتی روحانیت در مرحله نخست، درک دقیق و جامع از این وضعیت است. در واقع، یکی از اهداف مهم فکری و دینی روحانیت این است که اندیشه‌های منحرف معنوی (در اینجا ناظر به آرای اوستین) را شناسایی کنند و به‌عنوان کنشگران فعال معنوی به تبیین الهیاتی ارزش‌هایی نظیر چیستی و ابعاد موفقیت، رفاه، آزادی، خوشبختی، شادی و آرامش پردازند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین وظیفه روحانیت در حوزه مسائل معنوی این است که به‌عنوان کنشگران معنوی برای ارتقای ابعاد وجودی الهیاتی انسان بکوشند و در این باره، علاوه بر رفع شبهات معنوی، به ارائه آموزه‌های معنوی نیز پردازند. این آموزه‌ها باید متأثر از شرایط دنیای جدید و سنت اصیل اسلامی باشند.

در این میان، دو نکته در کنشگری ایجابی روحانیون از اهمیت بیشتری برخوردار است: «ابلاغ اهداف و حیانی دین» و «ابلاغ مبانی نظری الهی»؛ چراکه از سویی، اهداف فرعی این جهانی به‌منزله اهداف کلان دینی تلقی می‌شوند، حال آنکه این رهیافت با نگرش و حیانی ناسازگار است. نگرش اسلام، تمرکز بر سعادت انسان و اصلاح امور زندگی به‌واسطه تقرب الهی است. سعادت به معنای رسیدن به کمال واقعی است و بالاترین سعادت، رسیدن به قرب خداوند است. از آن‌رو که سعادت انسان به‌واسطه رسیدن به کمال واقعی حاصل می‌شود و رسیدن به کمال واقعی، اعلی



درجه لذت و سرور است، تقرب به خداوند، لذت بخش و حقیقی ترین معنا برای «موفقیت» است. از سوی دیگر، غفلت از مبانی نظری الهی موجب بروز مسائل متعددی می شود؛ برای نمونه، الهیات نزد اوستین یکسره بهانه‌ای برای توجیه تلاش همه جانبه برای وصول به اهداف جزئی یعنی موفقیت‌های این جهانی است، حال آنکه این رهیافت، علاوه بر اینکه به تحریف اهداف و حیانی ختم می شود، مبانی نظری الهیات و حیانی را مخدوش می کند.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. اوستین، جوئل (۱۳۹۱)، *انسان بهتر*، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: آسیم.
۳. اوستین، جوئل (۱۳۹۲)، *آرامش در پرتو ایمان*، ترجمه شبلم سمیعان، تهران: ققنوس.
۴. اوستین، جوئل (۱۳۹۳)، *هر روز پنجشنبه است*، ترجمه شبلم سمیعان، تهران: ققنوس.
۵. اوستین، جوئل (۱۳۹۴)، *حصارها را کنار بزنید*، ترجمه نیلوفر سادات مصطفی زاده، تهران: کوهسار.
۶. برن، راندا (۱۳۸۸)، *راز*، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: پیکان.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، *شریعت در آینه معرفت*، قم: مرکز نشر اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷)، *بررسی های اسلامی*، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، قم: بوستان کتاب.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۷)، *شیعه در اسلام*، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، قم: بوستان کتاب.
۱۲. طبرسی، رضی الدین (۱۳۹۲)، *مکارم الاخلاق*، قم: رضی.
۱۳. کیانی، محمد حسین (۱۳۸۸)، «مؤلفه های معنویت نوپدید در ایران»، *کتاب نقد*، ش ۵۰-۵۱، ص ۱۰۹-۱۵۷.
۱۴. کیانی، محمد حسین (۱۴۴۲ق)، «ینبغیات التصدی للنزعة المعنویة الحدیثة فی بیان الخطوة الثانية للثورة»، *المصطفی*، السنة الاولى، العدد الاول، ص ۱۷۵-۱۹۲.



۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۶. مقام معظم رهبری، <https://www.leader.ir/fa/archive>
17. Berg, Yehuda (2009). *Kabbalah; The Power to Change Everything*. Los Angeles & California: Kabbalah Publishing.
18. Dalai Lama (1998). *The Art of Happiness: A Handbook for Living*. New York: Riverhead.
19. Osteen, Joel (2004). *Your Best Life Now: 7 Steps to Living at Your Full Potential*. New York: Faith Words.
20. Osteen, Joel (2008). *Your Best Life Begins Each Morning: Devotions to Start Every Day of the Year*. New York: Faith Words.
21. Osteen, Joel (2009). *Hope for Today Bible*. New York: Howard Books.
22. Osteen, Joel (2016). *Think Better, Live Better: A Victorious Life Begins in Your Mind*. New York: Faith Words.
23. Osteen, Joel (2017). *Blessed in the Darkness: How All Things Are Working for Your Good*. New York: Faith Words.
24. Sai Baba, Sathya (1984). *The Embodiment of Love*. London: Sawbridge Enterprises.
25. Wilkinson, Tony (2007). *The Lost Art of Being Happy: Spirituality for Sceptics*. Finland: Findhorn Press.

References

۱. *The Holy Quran*.
۲. Berg, Yehuda (۲۰۰۹). *Kabbalah; The Power to Change Everything*. Los Angeles & California: Kabbalah Publishing.
۳. Bern, Randa (۲۰۰۹). *Secret*. Translated by Mehdi Gharacheh Daghi. Tehran: Peykan.
۴. Dalai Lama (۱۹۹۸). *The Art of Happiness: A Handbook for Living*. New York: Riverhead.
۵. Javadi Amoli, Abdullah (۱۹۹۹). *Shari'ah in the Mirror of Knowledge*. Qom: Isra Publishing Center.
۶. Javadi Amoli, Abdullah (۲۰۰۲). *Face and Human Face in the Qur'an*. Qom: Isra Publishing Center.
۷. Kiani, Mohammad Hossein (۲۰۰۹). "The Components of the Fledgic Spirituality in Iran". *Book of Critique*, No. ۵۰-۵۱: p. ۱۰۹-۱۵۷.
۸. Kiani, Mohammad Hussein (۱۴۴۲ AH), "Yanbiqa al-Tasadi lel-Naz'at al-Ma'ami al-Haditht fi Bayan al-Khotvat al-Thanyat lel-Thaorat". *al-Mustafa*, first year, No. ۱: p. ۱۷۵-۱۹۲.
۹. Majlesi, Mohammad Baqir (۱۴۰۳ AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar al-Eha'i al-Thorath al-Arabi.
۱۰. Osteen, Joel (۲۰۰۴). *Your Best Life Now: 7 Steps to Living at Your Full Potential*. New York: Faith Words.
۱۱. Osteen, Joel (۲۰۰۸). *Your Best Life Begins Each Morning: Devotions to Start Every Day of the Year*. New York: Faith Words.
۱۲. Osteen, Joel (۲۰۰۹). *Hope for Today Bible*. New York: Howard Books.
۱۳. Osteen, Joel (۲۰۱۶). *Think Better, Live Better: A Victorious Life Begins in Your Mind*. New York: Faith Words.
۱۴. Osteen, Joel (۲۰۱۷). *Blessed in the Darkness: How All Things Are Working for Your Good*. New York: Faith Words.
۱۵. Ostin, Joel (۲۰۱۲). *better man*. Translated by Mehdi Gharache Daghi. Tehran: Asim.
۱۶. Ostin, Joel (۲۰۱۳). *Relaxation in the Light of Faith*. Translated by Shabnam Samiian. Tehran: Phoenix.
۱۷. Ostin, Joel (۲۰۱۴). *Every day is Thursday*. Translated by Shabnam Samiian. Tehran: Phoenix.
۱۸. Ostin, Joel (۲۰۱۵). *aside the fences*. Translated by Niloransadat Mustafa Zadeh. Tehran: Kuhsar.
۱۹. Sai Baba, Sathya (۱۹۸۴). *The Embodiment of Love*. London: Sawbridge Enterprises.
۲۰. Supreme Leader, <https://www.leader.ir/en/archive>.
۲۱. Tabarsi, Raziuddin (۲۰۱۳). *Makarem al-Akhlaq*. Qom: Razi.
۲۲. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (۱۹۹۹). *Tafsir al-Mizan*. Translated by Mohammad Bagher Mousavi Hamadani. Qom: Islamic Publications Office.
۲۳. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (۲۰۰۸). *Islamic Studies*. by Sayyed Hadi Khosrowshahi. Qom: Book Garden.
۲۴. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (۲۰۱۸). *Shiite in Islam*. by Sayyid Hadi Khosrowshahi. Qom: Book Garden.
۲۵. Wilkinson, Tony (۲۰۰۷). *The Lost Art of Being Happy: Spirituality for Sceptics*. Finland: Findhorn Press.